

وضعیت اجتماعی عصر امام هادی (ع)

نگار سجادی فر

«چکیده مقاله»

پژوهش حاضر در پی پاسخ گویی به این سوال اصلی است که ؛
وضعیت اجتماعی عصر امام هادی (ع) چگونه بود ؟ پاسخ این سوال را با شناخت سه گروه خلفای عصر امام هادی (ع) ، گروه ها و جریانات مردمی و نیز تفکرات رایج و فرق و مذاهب دوران حیات حضرت، می توان یافت که به صورت زیر خلاصه می شود؛

۱-در مورد خلفای عصر امام (ع)؛ امامت حضرت، همزمان بود با حکومت شش نفر از ظالم ترین خلفای بنی العباس که به ترتیب عبارتند از ؛ معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتزّ . امام ضمن تثبیت موضع و جایگاه امامت و نامشروع دانستن حکومت عباسی ، عزت نفس خود را همواره در مقابل این ظالمان حفظ کرده و برای حفظ جان خود و شیعیان ، رعایت اصل عملی «تقیه» را در پیش گرفتند و از سویی ، با رفتار کریمانه ای که حتی در قبال دشمنان جانی خویش انجام دادند ، حقانیت خود را برای آنان به اثبات رسانده و حجت الهی را بر آنان تمام کردند .

۲-در مورد جریانات و تحرکات مردمی می توان به خروج محمد بن عمرو تغلبی، خروج ابوحرب مبرقع یمانی، نهضت محمد بن قاسم ، فتنه ی جماعت قیسیه، شورش جماعت بنی سلیم در مدینه و خروج مسیحیان در اندلس اشاره کرد و به طور خلاصه باید دوران حیات امام هادی (ع) را دوران آشوب در سرزمین های مسلمین دانست که پر از فتنه و شورش و خروج های مردم علیه حکومت عباسی بود و شرایط خاصی را برای امام (ع) و شیعیان حضرت رقم زده بود.

۳- در خصوص تفکرات رایج و فرق و مذاهب دوران حیات حضرت نیز باید به فرقه ها و گروه های کلامی جبریه، واقفیه، صوفیه، غلات اشاره کرد و مسئله ی خلق قرآن که از اساسی ترین مسائل کلامی عصر ایشان بود را مورد تحلیل قرار داد. امام هادی (ع) در برخورد با علمای سایر فرق ، شبهات آنان را با قاطعیت و از طریق استدلال و منطق الهی خویش پاسخ گفتند و با کنار زدن و رد عقاید گروه های انحرافی چون صوفیه ، واقفیه و جبریه ، طریق حق را به همگان معرفی کردند.

کلید واژه: امام هادی علیه السلام، وضعیت اجتماعی، امامت امام هادی علیه السلام

تعریف مفاهیم

اصولاً بررسی و ارزیابی درست و به حق یک اثر علمی تا حدّ زیادی به معرفت ارزیاب و تحلیل گر، نسبت به معنای مورد نظر نویسنده آن اثر علمی وابسته است. در بررسی وضعیت اجتماعی عصر امام هادی (ع) لازم است مفهوم امام و نیز تفاوت بین مفهوم امام در کلام شیعه و مفهوم خلیفه در کلام اهل سنت روشن گردد.

امام

در لغت به معنای «پیشوا و مقتدا» به کار می رود و جمع آن ائمه می باشد^۱. در اصطلاح «امام کسی است که رهبری همه ی مردم را در همه ی امور دین و دنیا طبق سنت پیامبر (ص) بر عهده داشته باشد.»^۲ به بیان علامه حلی^(ه) امام باید به نص و تصریح و معرفی پیامبر باشد و پیامبر (ص) او را از جانب خداوند بزرگ معرفی کرده باشد، ایشان محل استناد این مدّعا را آیه ی شریفه ی «وَإِذْ يُبْلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۳ معرفی می کند. پس امام واژه ای است که به دوازده جانشین بر حق رسول خدا (ص) از امیر مومنان علی ابن ابیطالب^(ع) تا حضرت حجّه بن الحسن^(عج) اطلاق می شود و معنای اصطلاحی آن اخص از معنای لفظی اش می باشد.

ب - تفاوت مفهوم امام در کلام شیعه با خلیفه در کلام اهل سنت

مشى اهل سنت و تصدیق و پیروی از خلفای جور پس از رسول اکرم (ص)، بیانگر این واقعیت که آنان خلیفه را به معنای جانشین رسول خدا می دانند، بدون قیودی که در فرهنگ شیعه برای آن ذکر می شود، رابطه ی میان امام در کلام شیعه و خلیفه در کلام اهل سنت، در مفهوم رابطه ی خاص و عام مطلق است، برای تمیز این دو مفهوم از یک دیگر، باید به ویژگی های مختص امام توجه کرد. از جمله مهمترین خصوصیات امام که ممیز این مفهوم از واژه ی خلیفه در معنای عام هستند، می توان به چهار ویژگی عصمت، افضل بودن از غیر، نصب از جانب خدا و لزوم نصّ بر تعیین امام اشاره کرد.

به بیان ساده تر؛ در نگاه اهل سنت هرکسی که بعد از رسول اکرم (ص) حاکم جامعه ی اسلامی شود، خلیفه ی مسلمین نامیده شده و واجب الطّاعه می باشد، چه با رأی مردم انتخاب شده باشد، چه منصوب از طرف خلیفه ی پیشین به حکومت رسیده باشد، اما شیعه بعد از رسول مکرّم اسلام (ص) هرکسی را شایسته ی امامت و حکومت بر جامعه مسلمین نمی داند بلکه این جایگاه تنها حق کسی است که دارای مقام عصمت بوده، افضل از غیر است، منصوب از جانب خدا می باشد و توسط نصّ صریح قران و کلام نورانی رسول اکرم (ص) معرفی شده باشد، که در مصداق صرفاً بر دوازده امام معصوم از خاندان آن حضرت صدق می کند.

مقدمه

بیان مسأله

سوال اصلی این است که وضعیت اجتماعی عصر امام هادی (ع) چگونه بوده است؟

^۱. سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف (دائرة المعارف جامع اسلامی)، ج ۵، چ ۳ (تهران: موسسه فرهنگی آرایه، بی تا)، ص ۲۰۲
^۲. جمال الدین حسن بن یوسف مطهر حلی (ره)، الفین فی امامة امیرالمومنین (ع)، ترجمه و تحقیق شهرضا، محمدرضا، چ ۱ (قم: پیام علمدار، ۱۳۹۱)، ص ۱۵
^۳. بقره، ۱۲۴

به منظور روشن شدن پاسخ این سوال ابتدا باید پاسخ سوالات فرعی زیر بررسی گردد :

- ۱- خلفای عصر امام هادی (ع) چه کسانی بودند؟
- ۲- در زمان حیات امام هادی (ع) چه گروه هایی از مردم تحرکات اجتماعی انجام دادند و جامعه عصر ایشان متأثر از تحرکات کدام جریانات مردی بودند؟
- ۳- امام هادی (ع) با چه فرق و مذاهب کلامی هم عصر بودند؟

پیشینه تحقیق

از جمله آثار مرتبط با موضوع تحقیق حاضر می توان به آثار زیر اشاره کرد :

- ۱- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه نوشته دکتر رسول جعفریان:^۱
از آنجا که نویسنده در این کتاب ، حیات فکری همه ی امامان شیعه را مورد بررسی قرار داده است ، لذا تنها برخی از جوانب موضوع ما را شامل می شود . مثلاً در مورد شرایط حاکم بر جامعه در دوران حیات حضرت هادی (ع) کمتر بحث شده است، لذا در این تحقیق به طور جامع تر به این مبحث پرداخته شده است .
- ۲- پرتوی از زندگی چهارده معصوم (ع) با قلم محمد اشتهااردی:^۲
مباحث این کتاب در سه بخش ، علاوه بر بیان تاریخی از زندگی امام هادی (ع) از تولد تا شهادت نمونه هایی از گفتار و رفتار حضرت را در بخش سوم ذکر می کند . لذا تحقیق حاضر علاوه بر مباحث این کتاب به بررسی شرایط اجتماعی جامعه اسلامی در زمان امام هادی (ع) خواهد پرداخت .
- ۳- منتهی الامال ؛ اثر ارزشمند شیخ عباس قومی^۳
در این کتاب تنها کلیاتی از زندگانی حضرت هادی (ع) بیان می شود ، لذا مانند منابع مذکور قبلی جامع مباحث تحقیق حاضر نمی باشد .

ضرورت پرداختن به تحقیق

تاریخ زندگی بشر صحنه رویارویی و نبرد بین حق و باطل است . انبیاء و اولیای الهی رهبری جبهه حق را همواره عهده دار بوده اند. بعد از رسول گرامی اسلام این رسالت بر عهده امامان معصوم (ع) قرار گرفت . از آنجا که پیامبر اکرم (ص) تنها راه نجات بشر از ضلالت و گمراهی را پس از خود تمسک به دو منبع قرآن کریم و اهل بیت (ع) معرفی می کنند ، لذا در کنار قرآن کریم لازم است تا سیره زندگانی چهارده امام معصوم (ع) به عنوان الگویی قابل اعتماد معرفی شده و عملاً سرلوحه رفتار فردی و اجتماعی ما قرار گیرد . یکی از امامان معصومی که زندگی شریفشان کمتر مورد بررسی قرار گرفته است حضرت امام هادی (ع) می باشند ، در همین راستا تحقیق حاضر در صدد آن است که به معرفی بعد اجتماعی عصر این امام همام بپردازد .

۱. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امام شیعه (ع) ، چاپ ۲ (قم: انصاریان، ۱۳۷۷) ، ص ۵۰۲-۵۳۰

۲. محمد محمدی اشتهااردی، پرتوی از زندگی چهارده معصوم (ع) ، ج ۱۲ (بیجا: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، بی تا)

۳. شیخ عباس قومی، منتهی الامال، ج ۲ (قم: پیام مقدس، ۱۳۹۱)

اهداف تحقیق

- ۱- شناخت خلفای عصر امام هادی^(ع)
- ۲- شناخت تفکرات رایج و فرق و مذاهب عصر امام هادی^(ع)
- ۳- ارائه ی تحلیلی درست از اوضاع اجتماعی و جریانات مردمی حاکم بر جامعه اسلامی در دوران امام هادی^(ع)

بخش اول: زندگی امام هادی^(ع)، از تولّد تا امامت

الف – تولّد امام هادی^(ع)

حضرت علی ابن محمد^(ع) ملقب به هادی، دهمین امام شیعیان، بنا به روایت کلینی، شیخ مفید، شیخ طوسی و نیز ابن اثیر، در نیمه ذی حجه سال ۲۱۲ هجری متولّد شده اند.^۱

در برخی از منابع، ولایت آن حضرت، ۲۷ ذی حجه و در برخی از منابع نیز پنجم یا دوازدهم یا سیزدهم ماه رجب سال ۲۱۴ ذکر شده است.^(۲) آن حضرت در منطقه ای در نزدیکی مدینه دیده به جهان گشودند.^۲

کنیه ی مبارک حضرت، ابوالحسن است. از آنجا که کنیه ی امام موسی^(ع) و امام رضا^(ع) نیز ابوالحسن می باشد، لذا به منظور دور بودن از اشتباه، امام کاظم^(ع) را ابوالحسن اول، امام رضا^(ع) را ابوالحسن ثانی و امام هادی^(ع) را ابوالحسن ثالث می نامند.^۳

مشهورترین القاب آن حضرت، نقی و هادی است، از دیگر لقب های امام هادی^(ع) می توان به القاب نجیب، مرتضی، عالم، فقیه، ناصح، امین، مؤتمن، طیب و متوکل اشاره کرد، اما وجود مبارکشان، لقب متوکل را از آن جهت که لقب خلیفه عباسی، متوکل علی الله بود، مخفی کرده و اصحاب خود را در به کار بردن این واژه برای ایشان منع می کردند.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه محمد کمره ای، ج ۳ (قم: اسوه، بی تا)، ص ۴۶۱

۲. علی رفیعی، تحلیلی از تاریخ دوران دهمین اختر امامت، امام هادی (ع)، ج ۱ (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰)، ص ۱۳

۳. همان

به دلیل آنکه امام هادی ^(ع) و فرزند گرامیشان حضرت حسن ^(ع) در سامره و در محلی که عسکر نام داشت سکونت گزیدند ، لذا آن دو بزرگوار را به آن محل نسبت داده و عسکرین می گفتند .^۱

پدر بزرگوار آن امام همام، حضرت جواد الائمه ^(ع) و مادر گرامیشان ، سمانه مغربیه است . در شیخ عباس قومی ^(ره) ، درمورد فضائل آن علیا مخدّره ، نقل می کند که ایشان همیشه روزه ی سنتی داشتند و از امام هادی ^(ع) روایت می کند که حضرت فرمودند : « مادرم عارفه است به حق من، او از اهل بهشت است ، نزدیک نمی شود به او شیطان سرکش، و نمی رسد به او مکر جبار عنید ، خداوند حافظ و نگهبان اوست و تخلف نمی کند از امّهای صدیقین . »^۲

ب (محیط رشد امام هادی ^(ع))

از زمان تولّد حضرت امام هادی ^(ع) (سال ۲۱۲) تا نازل شدن آن حضرت به مقام امامت (سال ۲۲۰)، هشت سال طول کشید ، در این مدت ، حضرت هادی ^(ع) تحت امامت پدر بزرگوارشان امام جواد ^(ع) زندگی کردند و در محضر آن امام همام درس امامت را آموخته و تعلیم و تربیت های لازم را در این راستا فرا گرفتند .

دوران کودکی امام دهم شیعیان، علی ابن محمد نقی ^(ع) در خانه و محیطی سپری شد که جز معنویت ، اخلاص، بندگی خدا، عصمت، طهارت و پاکی و معرفت به خدا، رنگ و بوی دیگری نداشت و لحظه لحظه زندگی ایشان در دامان مادری مهربان و فاضله تحت توجه و آموزش و تربیت پدر بزرگوارشان ، همراه بود با گشوده شدن دریچه های دانش و معرفت و کمالات انسانی بر روی آن حضرت و آماده تر شدن آن عزیز عالمین برای به روش کشیدن بار سنگین امامت کون و مکان.

از مسائل اعتقادی خاصی که از امامت امام جواد ^(ع) مورد بحث واقع شد و مأمون خلیفه عباسی، تلاش کرد تا از این مسئله علیه خاندان امامت، نهایت سوء استفاده را ببرد، این مسئله ی کلامی بود که آیا ممکن است که بتواند در سنین کودکی به مقام امامت و رهبری جامعه برسد ؟ با شهادت امام رضا ^(ع) و به امامت رسیدن امام جواد ^(ع) در سنین کودکی، این مسئله به طور داغ تر و محسوس تری در محافل علمی – کلامی مطرح شد و بعد ها درباره ی امام هادی ^(ع) و به حضرت حجه بن الحسن عسکری ^(ع) هممورد بحث واقع شد .

در سال ۲۰۳ ، بعد از شهادت امام رضا ^(ع) ، تنها فرزندی که از آن حضرت به جای مانده بود ، حضرت محمد ابن علی ^(ع) ملقب به جواد الائمه ^(ع) بود، که بیش از هشت سال سن نداشت . همین مسئله شیعیان آن حضرت را در تحیر و سرگردانی فرو برد و این موضوع باعث شد تا میان آنان اختلاف افتاده و در خیلی از شهرها این اختلافات بر سر مهم ترین مسئله اسلام یعنی مسئله ی امامت و ولایت پیش آید ، لذا گروهی از شیعیان ، در منزل عبدالرحمان بن حجاج گرد آمده و ضجه و ناله سردادند .^۳

البته این مسئله روشن بود که امام رضا ^(ع) ، فرزند خود امام جواد ^(ع) را برای جانشینی خود معرفی کرده اند ، اما سن کم آن باعث بروز شک و شبهه ی در دل برخی از شیعیان شده بود، لذا به دنبال راهی برای اطمینان خاطر خود و رفع شبهه ی ناشی از این مسئله می گشتند . برخی از شیعیان برای رفع اضطراب و سرگردانی خود، حتی به سراغ عبدالله ابن موسی، برادر امام رضا ^(ع) رفتند تا شاید جلوه های امامت را در مشی او ببینند ، اما پس از طرح سوالات خود از ایشان و ناتوانایی او در پاسخ گویی به آن سوال ها او را ترک کردند .^۴ گروهی دیگر

^۱. شیخ عباس قمی، پیشین، ص ۴۲۹

^۲. همان

^۳. محمدباقر مجلسی، زندگانی حضرت جواد و عسکرین (ع)، ترجمه ج ۵۰ بحارالانوار،

ترجمه موسی خسروی، ج ۱ (تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲) ص ۸۵

^۴. جعفریان، پیشین، ص ۴۷۴

- ۲- انسان مجبور است و اراده و اختیاری از خود ندارد. خدا انسان را مجبور به انجام عملش میکند.
 - ۳- خداوند را نمی توان به صفتی از صفاتی که مخلوقان را با آن وصف می کنیم توصیف کنیم.
 - ۴- قرآن این کلام خدا، حادث است و مخلوق.
 - ۵- علم خدا به امور حادث، حادث است .
 - ۶- خداوند را، در قیامت هم نمی توان دید .
 - ۷- بهشت و جهنم، ابدی نیستند .^۱
- فرقه ی اشاعره ، این عقیده ی انحرافی را تایید کرده و دامن می زند ^۲ و دستگاه خلافت عباسی نیز که می توانست به راحتی ، ظلم و فساد خود را با این تفکر توجیه کند ، آنرا تایید می کرد .

۲-واقفیه

یکی از گروهک هایی که در مقابل امامان راستین صف کشیدند و موجب مزاحمت شدند، گروهک واقفیه بودند. مسئله ی اعتقاد واقفی ، قبل از امام هادی ^(ع) و در زمان امام رضا ^(ع) مطرح شد ، چرا که بعد از امام کاظم ^(ع) ، عده ای از دوستداران ظاهری آن حضرت ، شهادت ایشان را نپذیرفتند و معتقد شدند که امام کاظم ^(ع) نمرده و آخرین امام و مهدی امت است ، لذا امامت امام رضا ^(ع) و بعد از ایشان امام جواد ^(ع) ، امام هادی ^(ع) ، امام حسن عسکری ^(ع) و حضرت حجه بن الحسن العسکری ^(عج) را اقرار نکردند و واقفیه نامیده شدند .

۳-صوفیه

اعتدال و میانه روی یکی از اصول اخلاقی - اسلامی ست که در سیره ی اهل بیت ^(ع) نیز بسیار بر آن تاکید شده است . قرآن کریم در این باره می فرماید : « كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ »^۳ ؛ « و این چنین شما را امت میانه قرار دادیم تا الگوی مردم باشید » این حکم ، حکم اولیه است ، یعنی هر مسلمانی می بایست در شرایط معمولی ، میانه رو باشد ولی گاهی در شرایط خاص ، این حکم به حکم ثانویه سوق می یابد مانند آنکه امیرالمومنین علی ^(ع) ، در دوران حکومت خویش ، خود را هم سطح فقیرترین های جامعه قرار می دادند. گروهی با تمسک به زندگی حضرت علی بن ابیطالب ^(ع) ، زندگی زاهدانه و گوشه نشینی بر می گزیدند و کم کم در مقابل سایر ائمه ^(ع) مانند امام صادق ^(ع) و امام حسن عسکری ^(ع) جبهه می گرفتند که چرا شما مانند جدتان علی ^(ع) زهد پیشه نیستید؟ این گروه گوشه گیر و زاهد مسلک ، صوفی نامیده می شوند. صوفیان کارشان به جایی رسید که با صراحت تمام در مقابل برخی از ائمه ^(ع) می ایستادند و از لباس نو و گران قیمت تن امام ^(ع) اعتراض می کردند ، مانند اعتراض « سفیان ثوری »^۴ صوفی منحرف و بی دین به امام صادق (ع) و یا اعتراضشان به امام رضا ^(ع)

کار صوفیه آنقدر از خط اهل بیت ^(ع) فاصله داشت که امام رضا ^(ع) درباره آنان می فرماید: « مَنْ أَنْكَرَهُمْ فَكَأَنَّمَا جَاهَدَ الْكُفَّارَ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ (ص) ؛ کسی که صوفیه را انکار کند ، مانند کسی است که در

^۱. رضا برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی (قم: چاپ سپهر، ۱۳۷۰)، ص ۵-۴۹

^۲. محمدی اشتهاردی، پیشین، ص ۶۲

^۳. بقره، ۱۴۳

^۴. حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده (قم: انتشارات آل علی

(ع)، ۱۳۸۲)، ص ۶۳۷

رکاب رسول خدا (ص) با گفّار جنگیده است.^۱ این گروه انحرافی، در زمان حضرت هادی (ع) نیز وجود داشتند و کارشکنی و تخطّی می کردند، بلکه هنوز جمعیتی از آنان وجود دارد.

۴- غلات

از گروه هایی که همواره مورد لعن اهل بیت عصمت (ع) بودند، غالیان در حق آنانند، یعنی کسی که در مقام اهل بیت (ع)، غلو به خرج داده و گاهاً مقام الوهیت برای ائمه (ع) قائل می شدند. در دوران حیات امام هادی (ع)، این گروه جمعیت زیادی داشتند و خیلی از سران غلات در این دوره می زیستند. سران ملعون این فرقه عبارت بودند از: «علی بن قمی، محمد بن نصیر فهری، حسن بن محمد بن بابای قمی، قاسم بن یقطين، هاشم بن ابی هاشم، ابوالسهری، ابن ابی الزرقا، جعفر بین واقد، ابوالغمر، فارس بن حاتم و مشغود بن فارس»^۲

۵- مسئله ی خلق قرآن

یکی از مسائل حاشیه ای و بدون فایده ای که در این دوران، دامنگیر اعتقادات مردم و حکومت جامعه ی اسلامی شد، مسئله ی خلق قرآن بود که دوری از هدایت امام معصوم (ع) زمان، حضرت هادی (ع)، موجب دامن زدن به این مسأله شد. اصل این مسأله، اختلاف نظری بین معتزله و اشاعره بود.

معتزله، با محوریت عقل در مباحث کلامی خود، اعتقاد بر حدوث و خلقت قرآن داشتند و می گفتند قرآن نبود و خداوند آن را خلق کرد. در مقابل؛ اشاعره و اهل حدیث قائل بودند به اینکه قرآن کلام خداست و صفات خدا قدیم است، نه مخلوق و حادث.

این بحث، زمان مأمون که به مسائل علمی فراتر از طبیعت و خداشناسی و کلام، بها داده شده، وارد مباحث علمی شد. حاکمان عباسی، در هر دوره ای به یکی از این دو طرف این دعوا گرایش پیدا کردند و افراد قائل به تفکر متقابل را شکنجه و آزار دادند و خیلی ها در این جریان کشته شدند.

مأمون به تفکر معتزله گرائید^۳ و معتصم و واثق نیز راه او را ادامه دادند و به مخلوق بودن قرآن اعتقاد پیدا کردند و بسیاری از دانشمندان و مخالفان خود در این بحث را شکنجه و آزار دادند و بسیاری را به قتل رساندند.^۴ پس از واثق، متوکل به اشاعره گرایش پیدا کرد و قائلان به خلق قرآن را به شدت کیفر کرد.^۵ با تدبیر امام هادی (ع) و پدر بزرگوارشان حضرت جواد (ع)، شیعیان از این جریان بی فایده به دور و مصون ماندند و درگیر آن نشدند.

۱. میرزا حبیب اله هاشمی خویی، منهاج البرائه فی شرح نهج البلاغه، ترجمه حسن زاده آملی، ج ۱۴، چ ۴ (تهران: اسلامیه، ۱۴۰۰ق)، ص ۱۶

۲. رفیعی، پیشین، ص ۱۳۲

۳. محمدبن علی کراچکی، گنجینه معارف شیعه امامیه، ترجمه کنزالفوائد و التعجب،

چ ۱ (تهران، چاپخانه فردوسی، بی تا)، ص ۱۲۵

سپهر، چ ۳، پیشین، ص ۱۰۸-۱۱۵

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا

خسروی، چ ۱ (تهران، مرتضوی، بی تا)، ص ۴۰۰

نتیجه گیری:

دوران امامت حضرت امام علی نقی (ع) همزمان بود با خلافت ۶ خلیفه ستمگر عباسی که ظلم و استبداد آنان باعث بروز جریانات و قیام های متعدد مردمی شده و از سویی دیگر جریانات فکری و فِرَق کلامی متعدد در جامعه اسلامی منشاء ظهور انحرافات فکری و اعتقادی بین مسلمانان شده بود. به طور کلی می توان دوران امامت حضرت هادی (ع) را دوران خفقان و آشوب و فتنه در سرزمین های اسلامی خواند که حضرت با درایت و علم الهی خود نه تنها شیعیان را از فتنه ها و تحرکات نامشروع زمان دور کردند بلکه به شبهات مطرح شده توسط فرق و مذاهب ضاله زمان پاسخ علمی داده و حجت الهی را بر همگان کامل نمودند.

فهرست منابع:

۱. سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف (دائرة المعارف جامع اسلامی)، ج ۵، چ ۳ (تهران: موسسه فرهنگی آرایه، بی تا)
۲. جمال الدین حسن بن یوسف مطهر حلی (ره)، الفین فی امامة امیرالمومنین (ع)، ترجمه و تحقیق شهرضا، محمدرضا، چ ۱ (قم: پیام علمدار، ۱۳۹۱)
۳. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امام شیعه (ع)، چاپ ۲ (قم: انصاریان، ۱۳۷۷)
۴. محمد محمدی اشتهاردی، پرتوی از زندگی چهارده معصوم (ع)، ج ۱۲ (بیجا: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، بی تا)
۵. شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ج ۲ (قم: پیام مقدس، ۱۳۹۱)
۶. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه محمد کمره ای، ج ۳ (قم: اسوه، بی تا)
۷. علی رفیعی، تحلیلی از تاریخ دوران دهمین اختر امامت، امام هادی (ع)، ج ۱ (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰)
۸. محمدباقر مجلسی، زندگانی حضرت جواد و عسکریین (ع)، ترجمه ج ۵۰ بحارالانوار، ترجمه موسی خسروی، چ ۱ (تهران: اسلامیه، ۱۳۸۴)
۹. محمدجواد مولوی نیا، تاریخ چهارده معصوم (ع)، ج ۱ (قم: موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، ۱۳۸۴)
۱۰. عباسقلیخان سپهر، ناسخ التواریخ، زندگانی حضرت امام علی نقی (ع)، ج ۱ (تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۴)
۱۱. علی محمد حیدری نراقی، سیری در زندگانی چهارده معصوم (ع) (قم: محمدنراقی، ۱۳۸۸)
۱۲. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ج ۱ (قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق)
۱۳. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیه (قم: انصاریان، ۱۳۸۴)

۱۴. علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمه، ترجمه و شرح علی زواره ای، ج ۳ (تهران: اسلامیة، ۱۳۸۲ش)
۱۵. رضا برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی (قم: چاپ سپهر، ۱۳۷۰)
۱۶. حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده (قم: انتشارات آل علی (ع)، ۱۳۸۲)
۱۷. میرزا حبیب اله هاشمی خویی، منهاج البرائه فی شرح نهج البلاغه، ترجمه حسن زاده آملی، ج ۱۴، چ ۴ (تهران: اسلامیة، ۱۴۰۰ق)
۱۸. محمدبن علی کراچکی، گنجینه معارف شیعه امامیه، ترجمه کنزالفوائد و التعجب، ج ۱ (تهران، چاپخانه فردوسی، بی تا)
۱۹. حسین بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، ج ۱ (تهران، مرتضوی، بیتا)